

مطالعه‌ی جامعه‌شناختی دروغ‌گویی در بین زوجین شهر تهران

سمیه قاسمی^۱

حسن محدثی گیلوایی^۲

تاریخ وصول: ۹۷/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۴

چکیده

هدف از تحقیق حاضر مطالعه‌ی جامعه‌شناختی دروغ‌گویی بین همسران (زوج‌های واجد ازدواج قانونی و دائمی) در شهر تهران است. جهت دستیابی به هدف تحقیق از روش کیفی و تحلیل مضمون با استفاده از ابزار مصاحبه عمیق بهره گرفته شد. جمعیت مشارکت‌کنندگان تحقیق از زوج‌های دارای ازدواج قانونی شهر تهران انتخاب شده است. بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند (انتخاب موارد بارز) با ۲۰ زوج (۱۰ مرد و ۱۰ زن) که ازدواج قانونی و دائم کردند، مصاحبه صورت گرفت. بعد از انجام ۱۷ مصاحبه‌ی عمیق اشباع نظری حاصل آمد. اما برای اطمینان بیشتر، مصاحبه‌ها را تا نفر بیستم ادامه دادیم. گردآوری و تحلیل اطلاعات در تحقیق حاضر با رویکرد روش کیفی و روش تحلیل مضمون انجام گرفت و شامل شش مرحله‌ی کدگذاری اولیه، جست‌وجو و شناخت مضامین، ترسیم شبکه مضامین، تحلیل مضامین و تدوین گزارش بوده است. یافته‌های تحقیق در زمینه مصاحبه‌های به‌عمل‌آمده با زوج‌های واجد ازدواج قانونی و دائمی نشان داد که عواملی مانند احساس ناامنی، وابستگی اقتصادی به همسر، روابط مردسالارانه، کسب رضایت و به دست آوردن دل همسر، کتمان در زندگی زناشویی و عدم تفاهم و اطمینان به رابطه زناشویی باعث دروغ‌گویی در بین زوج‌های ازدواج قانونی و دائمی می‌شود و میزان دروغ‌گویی به یکدیگر در زندگی مشترک قابل توجه است و دلیل اصلی آن روابط تام یا همه‌جانبه زوجین است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تصویر آرمانی از خانواده و روابط زوجین با دنیای واقعی فاصله بسیاری دارد.

واژگان کلیدی: دروغ‌گویی، زندگی زناشویی، ازدواج قانونی، روابط تام، تحلیل مضمون.

۱- دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- استادیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
mohaddesi2011@gmail.com

مقدمه

ازدواج^۱ به‌عنوان مهم‌ترین و عالی‌ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی افراد همواره مورد تأیید بوده است. ازدواج، متفاوت از انواع روابط دیگر، صمیمی‌ترین نوع رابطه است و می‌تواند سلامتی و شادی را در افراد به وجود بیاورد. لذا سلامت روحی- روانی افراد و رضایت از زندگی به میزان زیادی وابسته به رضایت از روابط خانوادگی است (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۶۴). خانواده‌های برخوردار از کارکرد سالم، سوای بقای خود در قالب یک نظام، موجب شکوفایی توان بالقوه یکایک اعضای خود می‌گردند؛ یعنی به آن‌ها اجازه می‌دهند با اعتماد و اطمینان خاطر در پی کاوشگری و خودیابی برآیند (گلدن برگ، ۱۹۳۴ به نقل از شاهی، ۱۳۸۲) باوجوداین، آگاهی از اهمیت روابط افراد در خانواده، الزاماً به ایجاد خانواده‌ی سالم و رضایت‌بخش نمی‌انجامد. آمارها حاکی از افزایش طلاق و فروپاشی خانواده‌ها است. به‌رغم آگاهی زوجین از اهمیت عشق و علاقه، و صداقت در روابط بین همسران، خانواده‌هایی مملو از تنش فراوان دیده می‌شود.

از دیدگاه گلاسر^۲ (۲۰۰۰) تعارضات زناشویی ناشی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش‌های رضای آن، خودمحوری^۳، اختلاف درخواستها^۴، طرح‌واره‌های رفتاری^۵ و رفتار غیرمسئولانه در زناشویی و ازدواج است. از دیدگاه سکستون، تعارض هنگامی رخ می‌دهد که چیزی رضایت را برای شخص فراهم کرده، درحالی‌که همان چیز برای دیگری محرومیت را به دنبال داشته است. درمانگران سیستمی تعارض را ناشی از هر نوع تنازع بر سر تصاحب پایگاه و منابع قدرت در بین زوج‌ها می‌دانند. زوجین در روابط خود با همسر و کسی که آن را دوست دارند دروغ می‌گویند. دلایل این‌که چرا افراد در روابط عاشقانه‌شان با همسر یا شریک جنسی‌شان دروغ می‌گویند کمتر مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است (دوبرو^۶، ۲۰۱۶: ۲۳). عدم توافق موردی در هر رابطه زناشویی طبیعی است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اگر زوج‌ها بتوانند به شیوه‌ی مثبتی تعارضات را مدیریت کنند و توانایی حل آن‌ها را داشته باشند، وجود تعارض متعدد آسیب‌زا نیست. پژوهش‌های متعددی درباره‌ی نارضایتی‌ها و تعارضات خانواده و همسران انجام شده است. اما در تحقیقات انجام شده به موضوع دروغ‌گویی^۷ بین همسران که یکی از مشکلات در روابط زناشویی است کمتر پرداخته شده است. دروغ‌گویی در روابط زناشویی یکی از مشکلات شایع زوج‌ها در دنیای امروز است. زوجین در مراودات روزمره‌شان با دلایل و انگیزه‌های بسیار دروغ می‌گویند (دی پالوو همکاران، ۱۹۹۶ به نقل از احمدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۲). در بسیاری از جوامع و از جمله جامعه‌ی ما

-
- 1- Marriage
 - 2- Glasser
 - 3- Self-center
 - 4- Conflict of interests
 - 5- Behavioral schemas
 - 6- Dobrow
 - 7- Lying

مطالعه‌ی جامعه‌شناختی دروغ‌گویی در بین زوجین شهر تهران

حساسیت اجتماعی چندانی نسبت به دروغ‌گویی و رواج آن وجود ندارد اگر معیار انحراف اجتماعی، تحمل‌ناپذیر بودن آن از سوی جامعه قلمداد شود، در این صورت به نظر می‌رسد، جامعه به راحتی دروغ‌گویی را می‌پذیرد و چندان در این مورد حساسیتی نشان نمی‌دهد. حساسیت‌های جامعه نسبت به کج روی‌های موجود، گویای اهمیت آن‌ها است. برای مثال، در جامعه‌ی دینی ما حساسیت بیشتری نسبت به بدحجابی وجود دارد تا دروغ‌گویی. به طوری که بسیاری از افراد متدین به‌رغم دشواری‌های موجود، در برابر بدحجابی موجود در جامعه، عکس‌العمل نشان می‌دهند، اما چندان نسبت به رواج دروغ‌گویی حساسیت به خرج نمی‌دهند یا اعتیاد و سرقت یکی از نزدیکان خود را تحمل نمی‌کنند، درحالی‌که دروغ‌گویی آنان را پرده‌پوشی کرده و چندان اهمیتی به آن نمی‌دهند. در کنار این باور عمومی که دروغ غیراخلاقی و رذیلانه است، باور استوار دیگری در جامعه وجود دارد که بر اساس آن پاره‌ای از دروغ‌ها مجاز می‌شود، اما برای شناخت این نوع دروغ‌گویی‌ها هیچ معیار مشخصی وجود ندارد و غالباً کسانی که در شرایط مختلف دروغ می‌گویند، دروغ خود را از نوع مجاز و مشروع قلمداد می‌کنند. ابهام در حد و حدود دروغ مصلحت‌آمیز و سوء تفسیر بعضی مصادیق تأییدشده در سنت دینی، موجب گردیده دروغ‌های متعددی، در فرهنگ ما، با عنوان «دروغ مصلحت‌آمیز» شناخته گردد و شاهد آفت‌های متعدد ناشی از دروغ‌گویی، در عرصه‌های مختلف جامعه، از قبیل خانواده، سیاست، دین و ... باشیم (اسلامی، ۱۳۸۷: ۶۹). پدیده‌ی دروغ‌گویی در جامعه‌ی ما نیز مانند جوامع دیگر رواج دارد. دروغ‌گویی ممکن است در زنجیره‌ای از تباهی اخلاقی، مانند خیانت، دورویی، تهمت، غیبت و فریبکاری حضور داشته باشد. این تباهی‌های اخلاقی خود معلول بسیاری از شرایط بگرنج اجتماعی دیگرند (محدثی و فلسفی، ۱۳۹۲: ۱۳۶-۱۳۷). با توجه به شیوع نسبی این پدیده و ارتباطش با دیگر انحرافات اخلاقی، و کاهش میزان اعتماد و هم‌بستگی اجتماعی، انجام تحقیقات و پژوهش‌هایی درباره‌ی دروغ‌گویی به خصوص دروغ‌گویی در خانواده و بین همسران ضرورت می‌یابد. صداقت به‌عنوان رکن روابط خانوادگی است و ثبات و آرامش خانواده درگرو صداقت و اعتماد زوجین به یکدیگر است. با توجه به تحقیقات بسیار اندک و معدود، مطالعه‌ی کیفی دروغ‌گویی بین زوجین ضرورت پیدا می‌کند. دروغ‌گویی همسران به یکدیگر منجر به بی‌اعتمادی، شک و بدگمانی و ایجاد سوءظن بین زن و شوهر می‌گردد و روابط بین همسران را مختل می‌کند. لذا توجه به پدیده‌ی دروغ‌گویی در روابط همسران مهم است.

مطالعات و تحقیقات چندانی درباره‌ی دروغ‌گویی انجام نشده است. مطالعات و تحقیقات درباره‌ی دروغ‌گویی بیش‌تر در حوزه‌ی فلسفه‌ی اخلاق و روان‌شناسی انجام شده است و مطالعات جامعه‌شناختی درباره‌ی این پدیده کم‌تر دیده شده است. با توجه به اینکه در سال‌های اخیر در کشورمان تلاش‌های زیادی در جهت بررسی مسائل زناشویی در کشور صورت گرفته است، در مورد "دروغ‌گویی بین همسران" تحقیقی صورت نگرفته است و اکثر تحقیقات مربوط به موضوع دروغ‌گویی، اغلب به صورت

نظری بوده است. در زیر برخی از تحقیقات در حوزه‌ی اخلاق اسلامی و فلسفه‌ی اخلاق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی آورده می‌شود.

در حوزه‌ی اخلاق اسلامی آیت‌الله دستغیب، سید حسن اسلامی و مهدی بازرگان، دروغ‌گویی را از منظر دینی مورد بحث و بررسی قرار دادند (دستغیب، ۱۳۸۴، اسلامی، ۱۳۸۵، بازرگان ۱۳۹۳). اترک (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «چیستی دروغ» به ماهیت و معنای دروغ در دید سنت اسلامی و سنت غربی پرداخته است و شروط واقع‌شدن دروغ را در دید دانشمندان اسلامی بررسی کرده است. اترک بیان می‌کند که از دیدگاه اشاعره، دروغ قبح ذاتی ندارد. طبق این دیدگاه، قبح دروغ به خاطر مضراتی است که دارد؛ لذا هر جا نفع دروغ بیش‌تر از ضررش باشد دروغ جایز است. اترک (۱۳۹۲) در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان معنای دروغ مصلحت‌آمیز به بررسی معنای دروغ مصلحت‌آمیز پرداخته است. او دروغ‌گویی را یک عمل غیراخلاقی می‌داند. اما هم عقل و هم شرع دروغ‌گویی را در برخی مواقع مانند جایی که موجب نجات جان بی‌گناهی می‌شود، جایز می‌داند. اترک در این مقاله با بررسی موارد جواز دروغ‌گویی از نظر عقل و شرع، تعریفی از دروغ مصلحت‌آمیز ارائه می‌کند. دروغ مصلحت‌آمیز یعنی دروغی که به خاطر «ضرورت» انجام می‌گیرد که شامل سه مورد کلی اکراه، اضطرار (که خود شامل دفع ضرر جانی، آبرویی و مالی قابل توجه است) و دفع افسد به فاسد در دوران امر بین دو محذور است و به خاطر اصلاح بین مردم گفتنش جایز است. همچنین دروغ‌گویی بر اساس روایات، برای برخی مصالح مهم ولی غیرضروری جایز شمرده شده است که تحت عنوان «اصلاح رابطه بین مردم» قابل جمع است. بنابراین، دروغ‌گویی نه از نظر عقل و نه شرع به خاطر مطلق منفعت و مصلحت آن گونه که در عرف مردم از معنای دروغ مصلحت‌آمیز فهمیده می‌شود، به هیچ‌وجه تجویز نشده است.

در حوزه‌ی روان‌شناختی، اسعدی (۱۳۸۴) در مقاله‌ی خود به بررسی تحول درک مفهوم دروغ و اشتباه در کودکان مقاطع مهدکودک، پیش‌دبستانی و کلاس دوم ابتدایی شهر اصفهان پرداخته است. بدین منظور ۱۲۳ کودک (۶۱ پسر و ۶۲ دختر) به صورت تصادفی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از سه مقطع مهدکودک، پیش‌دبستانی و کلاس دوم ابتدایی ۳ منطقه‌ی جغرافیایی شمال، مرکز و جنوب شهر اصفهان انتخاب شدند. ۶۹ درصد کودکان گروه مهدکودکی، ۸۵ درصد گروه پیش‌دبستانی و ۹۵ درصد گروه کلاس دوم توانستند مفهوم دروغ را درک کنند و این درحالی‌که بود که فقط ۲۱ درصد کودکان مهدکودکی، ۴۵ درصد گروه پیش‌دبستانی و ۸۵ درصد گروه کلاس دوم توانایی درک مفهوم اشتباه را داشتند. علاوه بر این، یافته‌ها حاکی از آن بود که تفاوت معنی‌داری بین دو جنس از نظر متغیرهای مورد بررسی وجود ندارد. علی سیلانیان طوسی (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان "دروغ (بررسی عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی)" دروغ‌گویی را از نظر لغوی به معنای کتمان واقعیت و بیان سخنی تعریف می‌کند که واقعیت خارجی برای گوینده ندارد. طوسی در این مقاله به عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی کودکان و بزرگسالان جداگانه توجه می‌کند و سپس شیوه‌های شناخت عوامل دروغ‌گویی و همچنین پیش‌گیری و

درمان آن را ارائه می‌کند. در دروغ‌گویی کودکان، والدین و مربیان باید توجه داشته باشند که لازم است تغییراتی در رفتار و کیفیت ارتباط آن‌ها با کودکان صورت گیرد تا به تدریج از شدت این رفتار کاسته شود و از بین برود و دروغ‌گویی بزرگسالان نمونه‌ای از انعکاس و تجلی سیر قهقرایی آنان به مرحله‌ی کودکی است و جامعه‌ی دروغ‌گو جامعه‌ای است نابالغ و فروافتاده و دچار نایمنی.

در حوزه‌ی علوم اجتماعی، کتبی (۱۳۷۷) در مقاله‌ای با عنوان "جایگاه دروغ و الگوهای رفتاری آن در روابط اجتماعی ما" الگوهایی برای تعریف این رفتار با استفاده از عامل انسانی و عامل وضعیتی ارائه می‌دهد. منظور از عامل انسانی در نظر گرفتن گوینده و شنونده‌ی دروغ است و منظور از عامل وضعیتی، در نظر گرفتن میزان آگاهی و واکنش شنونده در برابر شنیدن دروغ است. مقاله‌ی محدثی و فلسفی (۱۳۹۴) "تحلیلی جامعه‌شناختی از آمادگی برای دروغ‌گویی" با روش کمی و استفاده از تکنیک پرسش‌نامه در میان ۲۸۰ زن ساکن و شاغل در منطقه‌ی ۶، از سه گروه زنان خانه‌دار، کارمند، و شاغل آزاد انجام شد. نتایج این تحقیق نشان داد که به‌طور کلی زنان، فارغ از پایگاه اجتماعی‌شان، بیش‌تر به‌منظور کسب منفعت و سود دروغ می‌گویند. در موقعیت‌هایی که روابط اجتماعی‌شان به خطر می‌افتد یا در موقعیت‌هایی که در معرض فشار قرار می‌گیرند، دروغ می‌گویند. هم‌چنین بیش‌تر زنان در موقعیت‌های زن‌خانه‌دار بیش‌ترین دروغ را می‌گویند. این نشان می‌دهد برای زنان، زندگی خانوادگی و محیط خانواده بیش‌ترین چالش را در بردارد. هم‌چنین به نظر می‌رسد زنان، بسیاری از موقعیت‌هایی را که مربوط به دروغ‌گویی ظاهراً مصلحت‌آمیز می‌شود دروغ نمی‌دانند و از گفتن این دروغ‌ها احساس ناراحتی نمی‌کنند. دروغی که زنان درباره‌ی آن بیش‌تر از همه ابراز مخالفت کرده‌اند دروغ‌هایی است که در موقعیت‌های مشاغل آزاد و به‌منظور کسب سود و منفعت گفته می‌شود.

در میان آثار **خارجی**، بارنز^۱ (۱۹۹۴) کتاب یک بچه دروغ: به‌سوی جامعه‌شناسی دروغ‌پردازی را منتشر کرده است. این کتاب در ۱۱ فصل تدوین شده است. او در سه فصل اول دروغ را در حوزه‌های اجتماعی مختلف بررسی می‌کند. وی در این کتاب ابتدا از حوزه‌هایی شروع می‌کند که دروغ گفتن در آن‌ها رایج و مورد انتظار است و به حوزه‌هایی می‌رسد که دروغ‌گویی در آن‌ها بی‌مسئولیتی و احتمالاً غیرمعمول است. او به‌دروغ‌های جنگ‌طلبانه و دروغ‌های سیاسی، تأثیر هنجارهای فرهنگی بر الگوهای دروغ‌گویی، تأثیر نوع ارتباط موجود بین دروغ‌گو و فریب‌خورده، خودفریبی و فنون تشخیص دروغ می‌پردازد. جیونگ چو^۲ (۲۰۱۱) نیز مقاله‌ای با عنوان "تفاوت‌های فرهنگی در نحوه‌ی تبیین گرایش افراد به‌دروغ‌گویی و راست‌گویی" نوشته است. این مقاله گزارشی از دو مطالعه درباره‌ی دروغ‌گویی ارائه می‌کند. چو به بررسی تفاوت‌های فرهنگی بین کره و آمریکا در مؤلفه‌های نگرشی و هنجاری که بر تبیین افراد از تمایل خود به راست‌گویی یا دروغ‌گویی تأثیرگذار هستند، پرداخته است. این تحقیقات

1- Barnes

2- Jeong

حاکی از آن است که به صورت میان فرهنگی، مردم کره وقتی مجبور می‌شوند دلایل دروغ‌گویی خود را به خاطر یک دوست توضیح دهند، از دلایل هنجاری استفاده می‌کنند، درحالی‌که مردم آمریکا در صورت تبیین دلیل راست‌گویی خود به خاطر یک دوست از دلایل هنجاری استفاده می‌کنند. مردم کره در مقایسه با مردم آمریکا، دروغ‌گویی به خاطر یک دوست را کمتر منفی ارزیابی می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در جوامع فردگرا، بهانه‌های رابطه محور چندان پذیرفته نیستند. در واقع در این فرهنگ‌ها صفات فردی مهم‌تر از عناصر فرهنگ‌های جمع‌گرایانه نظیر فرهنگ کره هستند. هریس می‌گوید (۲۰۱۳) در کتاب دروغ/اراده آزاد^۱: دروغ هم ناتوانی از فهم دیگران است، هم بی‌اشتیاقی به فهمیده شدن. دروغ گفتن نوعی پس‌نشستن از ایجاد رابطه است. ما با دروغ‌گویی امکان نگاه به جهان را آن‌چنان‌که هست، از دیگران دریغ می‌کنیم. بی‌صدافتی ما نه تنها بر تصمیم‌هایی که دیگران می‌گیرند اثر می‌گذارد، بلکه غالباً معین می‌کند آن‌ها اساساً چه تصمیم‌هایی می‌توانند بگیرند.

بررسی سوابق تحقیقاتی نشان می‌دهد که آثار منتشرشده در باب دروغ‌گویی، اغلب در جنبه‌های نظری متوقف بوده‌اند و از منظر فلسفه‌ی اخلاق، روان‌شناسی یا دینی به موضوع پرداخته‌اند. در حوزه‌ی اخلاق اسلامی تحقیقات بنا به ماهیت خود نظری یا متن‌واکاوانه بوده‌اند و از منظر دینی به موضوع پرداخته‌اند. علاوه بر این، دروغ‌گویی را فقط در دین اسلام مورد مطالعه قرار دادند و موضوع دروغ را در ادیان دیگر مورد بررسی قرار ندادند. در تحقیقات روان‌شناختی بیش‌تر دروغ‌گویی کودکان مورد بررسی و مطالعه‌ی تجربی قرار گرفته است. تعریف مفهوم دروغ‌گویی در آثار مذکور یکسان نیست. بسیاری از آنان دروغ‌گویی را در معنای بسیار وسیع کلمه که گهگاه با فریب مترادف می‌شود و شامل کتمان، بلوف، اغراق و از این قبیل نیز می‌گردد. این ایراد جدی به این‌گونه آثار است. البته محدثی و فلسفی و نیز حیدری کوشیده‌اند دروغ‌گویی را در معنای محدودتری به کار ببرند و در حدی شمول موضوع را مشخص نمایند. بخش قابل‌توجهی از آثار مورد بحث به پیامد، کارکردها و عواقب دروغ‌گویی در جهان انسانی اختصاص یافته است و تبیین دروغ‌گویی و علت‌یابی این پدیده در آثار مورد بحث کمتر مورد توجه بوده است. در واقع به‌جای مطالعات تجربی‌ای که به تبیین دروغ‌گویی در درون موقعیت‌های اجتماعی بپردازند، خالی است. در آثار سیسلا بوک، بارنز و هریس هر یک کتابی در موضوع دروغ نوشته‌اند. در این کتاب‌ها نیز دروغ، بیشتر از نظر اخلاقی و فلسفی مطرح شده‌اند و کمتر به موضوع دروغ‌گویی از رویکرد جامعه‌شناختی پرداخته شده است. در مقاله‌ی جیونگ چو هم دلایل و علل دروغ‌گویی و انگیزه‌های دروغ را در افراد دو فرهنگ کره و آمریکا مورد بررسی قرار داده است و دلایل اجتماعی و جامعه‌شناختی درباره دروغ‌گویی این افراد بیان نکرده است. کار آنان سویه‌ی مردم شناختی پررنگی دارد. بنابراین، بررسی تحقیقات نشان می‌دهد که در موضوع دروغ‌گویی به‌صورت تجربی و میدانی مطالعه و تحقیقات اندکی صورت گرفته است. در مورد دروغ‌گویی در خانواده، به‌خصوص دروغ‌گویی بین زوج‌ها تاکنون هیچ

1-Free will

تحقیقی ملاحظه نشده است. بنابراین، آنچه برای ما در این مقاله حائز اهمیت است توجه به دروغ‌گویی از منظر جامعه‌شناختی است؛ به‌خصوص دروغ‌گویی در روابط زوجین.

در زمینه تعبیر از مفهوم دروغ، در تعریف کانت، دروغ صرفاً به‌عنوان گفته‌ی نادرست عمدی به شخص دیگر مستلزم این شرط اضافی که باید به دیگری آسیب برساند نیست، زیرا دروغ همیشه به دیگری آسیب می‌رساند؛ اگر نه به فرد خاصی، باری به نوع بشر در کل آسیب می‌رساند. دروغ‌گویی سرچشمه‌ی خود قانون را می‌خشکاند. از نظر کانت هر که دروغی بگوید، هراندازه هم که نیتش خیر باشد، می‌بایست پاسخگوی عواقب آن باشد هر قدر هم که این عواقب پیش‌بینی‌ناپذیر باشد و حتی فرد در محکمه‌ای مدنی تاوان آن را بدهد (کانت، ۱۹۴۹: ۵۰-۳۴۶ به نقل از بوک^۱، ۱۳۹۴: ۴۱۶-۴۱۵). دهخدا در لغت‌نامه‌ی خود دروغ را سخن ناراست، قول ناحق، خلاف حقیقت، مقابل راست، مقابل صدق^۲ و بالاخره "کذب" می‌داند و از صاحب آندراج مثال «گریه دروغ، اشک دروغ، آه دروغ، وعده دروغ، صبح دروغ» را می‌آورد و واژه‌ی دروغ را با فعل "گفتن، بستن، پرداختن، زدن، آوردن، یافتن (بافتن) و بر سر کسی فروکوفتن" می‌آمیزد و استعمال آن را درصدها بیت شعر بزرگانی هم چون ابوشکور، اسدی، امیر معزی، اوحدی، اورمزدی، جامی، حافظ، خاقانی و دیگران نشان می‌دهد و همه را در برابر عبارات دروغ و دروغ‌آزما و دروغ‌آزمایی و دروغ‌آزمودن و دروغ‌کردن و دروغ‌گردانیدن و دروغ‌گفتن و دروغ‌گویی و دروغ‌گویی و دروغ‌یاب و دروغین و دروغینی و دروغینه گرد می‌آورد. هریس می‌گوید: دروغ گفتن یعنی هنگامی که افراد توقع ارتباط صادقانه دارند آنان را به‌صورت عمدی گمراه نماییم (هریس^۳، ۲۰۱۳: ۴). فریب می‌تواند شکل‌های مختلفی به خودش بگیرد، اما هر عمل فریب‌دهنده‌ای دروغ نیست. حتی اخلاقی‌ترین آدم‌ها هم بعضاً تلاش می‌کنند ظاهر را از واقعیت جدا نگه‌دارند. مثلاً شخصی که عجله دارد ممکن است تظاهر کند که متوجه آشنایی که در خیابان از کنارش می‌گذشته نشده است. طفره رفتن و ناگفته گذاشتن‌هایی از این دست می‌توانند اشکالی از فریب باشند اما دروغ به حساب نمی‌آیند. ما در چنین مواقعی حقیقت را دور می‌زنیم، اما عامدانه دروغی تحویل طرفمان نمی‌دهیم. مرز میان دروغ و فریب غالباً در بحث‌ها مبهم است. درواقع، حتی ممکن است با گفتن حقیقت هم کسی را فریب داد (تاوآلار و کروسمن^۳، ۲۰۱۱). درواقع، فریب مفهومی بس عام‌تر از دروغ‌گویی است. دروغ‌گویی با کتمان نیز متفاوت است زیرا گفتن، لازمه‌ی تحقق دروغ‌گویی است.

از نظر محدثی دروغ‌گویی "نوعی کنش اجتماعی عقلانی، ارادی و آگاهانه است که در شرایط اجتماعی مختلف و تحت فشارهای بیرونی متفاوت و با نیت گوناگون رخ می‌دهد" (محدثی، ۱۳۸۸: ۸۴). وی بعد از کوشش مفصل در تمییز میان دروغ‌گویی و دیگر آفات زبان نظیر غیبت، مدهانه، بلوف زدن و غیره دروغ‌گویی را چنین تعریف می‌کند: "دروغ‌گویی کار گفتی است که به‌قصد آنی فریب مخاطب یا

1- Bok

2- Harris

3- Talwar & Crossman

عدم پاسخ‌گویی در مقابل وی و نیز به قصد آتی دست‌یابی گوینده به دستاوردی معین بیان می‌شود که باور کردن شنونده در تحقق آن فرعی است، اما عدم باور گوینده به گفته موردنظر، صرف‌نظر از صدق و کذب آن لازمه‌ی دروغ‌گویی است. از این‌رو، دروغ‌گویی چند مؤلفه دارد:

۱- گوینده^۱

۲- مخاطب^۲

۳- کار گفت^۳

۴- زمینه^۴

دو قصد: ۱- قصد آن در جهت فریب مخاطب و یا در جهت رفع مسئولیت و عدم پاسخ‌گویی؛ ۲- قصد آنی نیل به دستاوردی معین (محدثی: ۱۳۸۸: ۸۴).

در این تحقیق تعریف محدثی از دروغ‌گویی را مدنظر قرار دادیم به این دلیل که دروغ‌گویی در این تعریف محدودیت و مانعی بیشتری یافته است و از فریب، غیبت، بلوف زدن، مدافعه و دیگر اشکال بیان و آفات زبان متمایز می‌گردد. تلقی کار گفت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های دروغ‌گویی در واقع این مفهوم را به افعالی در درون زبان گفتاری و نوشتاری منحصر می‌سازد و دیگر اشکال بیان و زبان و اظهار خویشتن و تعامل را از مقوله‌ی دروغ‌گویی خارج می‌کند. اغلب صاحب‌نظرانی که درباره‌ی دروغ‌گویی سخن گفته‌اند آن را معادل فریب^۵ و دروغ‌پردازی^۶ به کار می‌برند. محدثی با برجسته‌سازی مؤلفه‌ی کار گفت، دروغ‌گویی را منحصر به رفتارهایی می‌کند که در آن‌ها اشکال گفتن وجود داشته باشد. بنابراین، استفاده از زبان بدن و موقعیت‌ها برای فریب دیگران، در این تعریف از دروغ‌گویی متمایز می‌شود. همچنین کتمان که در آن نگفتن حقیقت نقش محوری دارد، جزء دروغ‌گویی محسوب نمی‌گردد. بنابراین تعریف دروغ‌گویی در معنای محدودتری به کار گرفته می‌شود و دامنه‌ی شمول موضوع مشخص می‌شود. بنا بر تعاریفی که از دروغ‌گویی ارائه شد، موقعیت‌های دروغ‌گویی را می‌توان بر مبنای کارکردی که برای شخص دروغ‌گو دارند به سه دسته تقسیم می‌شوند (محدثی، ۱۳۸۸: ۸۴).

۱- دروغ‌گویی به‌مثابه مفر: دسته اول موقعیت‌های دروغ‌گویی موقعیت‌هایی‌اند که در آن‌ها دروغ‌گویی نوعی مفر (گریزگاه) تلقی می‌شود. این موقعیت حاکی از شرایطی است که کنشگر تحت‌فشار بیرونی قرار گرفته و برای فرار و خلاص از این فشار دروغ می‌گوید. «فشار به معنی هر عاملی است که آدمی را در نوعی حالت تنش‌زا و یا وضعیت اجتماعی رنج‌آور و آزاردهنده قرار می‌دهد» (محدثی، ۱۳۸۸: ۸۴). محدثی انواع این نوع دروغ‌گویی را نیز به دسته‌های خردتری با عنوان‌های دروغ‌گویی

-
- 1- Speaker
 - 2 Addressee
 - 3- Speech-act
 - 4- Context
 - 5- Deception
 - 6-Lying

پیشگیرانه، توجیه‌گرایانه، انکاری، دفاعی، تسهیل‌کننده، دروغ‌گویی برای حفظ وجهت و دروغ‌گویی غافلگیرانه تقسیم می‌کند.

۲- دروغ به مثابه دام و سلاح: تا اینجا درباره این گفته شود که چگونه وقتی کنش‌گران در موقعیت‌های مولد فشار قرار می‌گیرند به اجبار یا از روی ناچاری دروغ می‌گویند. در دسته دوم موقعیت‌های دروغ‌گویی، که از آن با عنوان "دروغ‌گویی به مثابه دام و سلاح" نام برده می‌شود، کنشگران بدون این‌که در موقعیت فشار قرار داشته باشند، با نیت رسیدن به منافعی دروغ می‌گویند. در موقعیت فشار، فرد هدف را تعیین نکرده است بلکه بر او تحمیل شده است، اما در این نوع از دروغ‌گویی، هدف از پیش مشخص است و فرد آگاهانه و با حدی از طراحی و برنامه‌ریزی در پی کسب آن است. در این نوع دروغ‌گویی کنشگر ممکن است برای به دست آوردن موقعیت مالی یا کاری یا تحصیلی یا اجتماعی بالاتر به هر دروغی توسل جوید و حق آدم‌های شایسته‌تر از خود را ضایع کند. وی ممکن است در مورد واقعی یا جعلی بودن مدرک تحصیلی‌اش دروغ بگوید یا برای ازدواج و جلب نظر خانواده‌ی دختری که از نظر مالی متمول است، در مورد وضعیت مالی خود دروغ بگوید.

محدثی برای این‌که توضیح جامع‌تری از این نوع دروغ ارائه دهد، نخست به تعاریف مفاهیم علاقه، نفع یا سود و ارزش و عقلانیت پرداخته است. او مفهوم علایق را با الهام از علی شریعتی به دودسته‌ی علایق خودخواهانه و دگرخواهانه دسته‌بندی می‌کند. کنشگران یا برای علایق سودمحور دروغ می‌گویند یا برای علایق ارزش محور. محدثی دروغ‌گویی معطوف به علایق را به‌طور عام، به دو نوع خودخواهانه، یعنی معطوف به سود و دگرخواهانه یا معطوف به ارزش (ارزش انسانی) تقسیم می‌کند. در ادامه وی به توضیح مفهوم سود و دستاورد پرداخته است: منظور ما از سود هر گونه «دستاورد» ایجابی یا سلبی محقق یا نامحقق است. دستاورد محقق شامل مجموعه‌ای از امتیازات مادی و غیرمادی است. امتیازات مادی مثل مال و مقام و امتیازات غیرمادی نیز شامل موارد زیر است:

۱- امور اعتباری- اخلاقی (نظیر تکریم، تأیید، افتخار، منزلت)؛ ۲- امور عاطفی، احساسی، انگیزشی (نظیر تعلق روانی، عشق، دل‌بستگی، اعلام موافقت)؛ ۳- امور عملی (نظیر همراهی و همکاری در کاری معین)؛ ۴- امور یادگرفتنی- تکوینی (نظیر آموزش در امری معین یا کسب مهارت در تخصصی خاص). دستاورد نامحقق اشاره به فرصت‌ها، امکانات و امتیازات محتمل دارد که هم‌اکنون موجود و در دسترس نیست، اما احتمال دسترسی بدان‌ها در آینده وجود دارد. اما «دستاورد ایجابی»، یعنی آنچه در اختیار ما نیست در اختیار ما قرار گیرد. منظور ما از دستاورد سلبی، یعنی آنچه در اختیار عاملان است از دست داده نشود (همان: ۱۱۵).

می‌توان همین بحث را در راستای بسط مفهوم سود، البته با مضیق ساختن این مفهوم، با استفاده از آرای نظریه‌پردازان مبادله دنبال کرد و آن را غنی‌تر ساخت. در نظریه‌ی مبادله بر مبادلات متقابل تمرکز می‌شود که میان افراد و گروه‌ها انجام می‌شود. از دید صاحب‌نظران این نظریه تمامی مبادلاتی که میان

گروه‌ها و افراد انجام می‌شود، بر مبنای مفاهیمی چون سود، پاداش و هزینه قابل توضیح است. این معنا از سود البته نقد شدنی است. محدثی بر مبنای آرای شریعتی میان سود و ارزش تمایز قائل می‌شود. مفهوم سود، کنش خودخواهانه و مفهوم ارزش، کنش دگرخواهانه فرد را توضیح می‌دهد (همان: ۳۵۵). مفهوم سود در اینجا به این معناست که افراد هنگام کنش‌های خودخواهانه در پی افزایش لذت و منافع مادی یا غیرمادی خود هستند. از این منظر سود تفاوت میان پاداش و هزینه است. سود زمانی به دست می‌آید که پاداش بیش از هزینه باشد. محدثی با توجه به مفاهیم ارزش و سود، که تا به اینجا توضیح داده شد، دسته‌بندی دوم دروغ‌های معطوف به علایق و منافع را ساخته و پرداخته کرده است. بر مبنای نتایجی که این دروغ‌ها برای کنشگر دارد، دسته‌بندی خردتری شامل: دروغ‌گویی تعدی‌گرانه، دروغ‌گویی جبران‌کننده و دروغ‌گویی وجاهت‌جویانه مطرح می‌شود.

۳- دروغ به مثابه گریس (دروغ‌گویی معطوف به تسهیل و تلطیف روابط اجتماعی):

این نوع دروغ‌گویی بیش‌تر ناظر به شرایط تعاملات در زندگی است که کنشگران درگیر و دچار آن‌اند؛ شرایطی که مبتنی بر تعارف، شرم حضور، رعایت انواع آداب اجتماعی و نبود صراحت‌هایی است که همه‌ی ما در تجربیات روزمره‌مان با آن روبه‌رو می‌شویم؛ در موقعیت‌هایی که تمایل یا توانایی‌مان برای گفتن حقیقت بسته به زمان، مکان، موقعیت‌ها و اشخاص متفاوت تغییر می‌کند.

محدثی برای توضیح دادن این نوع دروغ‌گویی از مفهوم قلمرو واقعیت اجتماعی که تجربه‌ی مستقیمی از آن داریم، یعنی جهان «مایی» شوتز استفاده می‌کند. این همان قلمروی است که اغلب دروغ‌های روزمره در آن شکل می‌گیرد. توجه داشته باشیم که دروغ‌گویی می‌تواند در نگارش و دور از چشم دیگران و فارغ از ارتباطات روزمره نیز رخ بدهد. در ادامه، محدثی از مفهوم «زیست جهان» شوتز برای نشان دادن تأثیر شرایط اجتماعی در پدیده دروغ‌گویی استفاده می‌کند؛ شرایطی که مرتبط است با فرهنگ، اعتقادات، عرف و اخلاقیات حاکم بر آن که بر جهت‌گیری کنش‌های ما تأثیر می‌گذارد. این قلمرو واقعیت اجتماعی، که افراد تجربه‌های مستقیم و رودررو را در آن از سر می‌گذرانند و روابط «مایی» نام دارد، از درجه‌ی به نسبت بالایی از صمیمیت برخوردار است. در روابط مایی شرایطی پیش می‌آید که از نظر محدثی افراد در روابط و باهدف تداوم روابط اجتماعی‌شان، و نیز به علت دوری از خصومت‌ها، دلخوری‌ها، و سوءتفاهم‌ها دروغ می‌گویند. یکی از موارد مهمی که به تداوم این روابط اجتماعی کمک می‌کند تأیید اجتماعی است یا اگر بخواهیم به زبان نظریه‌پردازان مبادله سخن بگوییم، یکی از قوی‌ترین پاداش‌ها تأیید اجتماعی است. به نظر می‌رسد مردم در زندگی روزمره خود در جست‌وجوی «مطلوب واقع شدن» هستند و از آن در روابط اجتماعی خود لذت می‌برند (اسکیدمور، ۱۳۸۵: ۱۰۷). انتظار دریافت تأیید اجتماعی سازنده‌ی موقعیتی اجتماعی است که منجر به دروغ‌گویی می‌شود. زمانی که ما در روابط باکسی نیاز به تأییدش را پاسخ می‌دهیم و انتظار داریم دیگری نیز در شرایط مشابه همین کار را برای ما انجام دهد، شرایطی شکل می‌گیرد که در آن راست‌گویی نامطلوب تلقی می‌شود. شاید کم‌هزینه بودن

برآوردن انتظار تأیید اجتماعی دیگران شرایط دروغ‌گویی را ساده‌تر می‌کند. این که ما از دست‌پخت یا چهره یا لباس دوستان تعریف کنیم برایمان هزینه‌ی زیادی ندارد، اما به تداوم رابطه‌ی ما با آن شخص که در ادامه او نیز ما را تأیید می‌کند کمک می‌کند. محدثی از این نوع دروغ‌ها با عنوان دروغ به‌مثابه گریس یاد می‌کند که مانند گریس یا روغن در میان چرخ دهنده‌های روابط انسانی کار می‌کند و از اصطکاک‌هایش می‌کاهد (محدثی، ۱۳۸۸: ۱۱۹؛ به نقل از محدثی و فلسفی، ۱۳۹۴: ۱۴۵).

روابط تام و دروغ‌گویی؛ محدثی بر آن است که روابط اجتماعی میان افراد را می‌توان برحسب تعداد مجاری رابطه مورد مطالعه قرارداد. از این منظر می‌توان روابط اجتماعی را بر روی یک طیف قرارداد؛ طیفی که یک سر آن را روابط تک مجرایی و سر دیگر آن را روابط تام تشکیل می‌دهد و در وسط طیف روابط چند مجرایی قرار می‌گیرد. در روابط تک مجرایی، افراد فقط در یک رابطه‌ی خاص درگیر هستند. به‌عنوان مثال، رابطه‌ای که من با بقال سر کوچه دارم، رابطه‌ای تک مجرایی است. من فقط برای خرید برخی مایحتاج منزل، به او مراجعه می‌کنم. دقیقاً همین رابطه را با روزنامه‌فروش محله دارم. روابط چند مجرایی روابطی هستند که افراد از چندین مجرا با یکدیگر وارد رابطه‌ی اجتماعی می‌شوند. به‌عنوان مثال، در اغلب روستاها و شهرهای سنتی ایران، مردم باهمسایه‌ها و هم‌محله‌ای‌ها واجد روابط چند مجرایی می‌شوند. هم‌چنین رابطه‌ی خانواده‌های ایرانی با اقوام و خویشاوندان معمولاً رابطه‌ای چند مجرایی است. به‌عبارت‌دیگر، علل و عوامل گوناگونی در ایران همسایه‌ها، هم‌محله‌ای‌ها، و خویشاوندان را به هم متصل می‌سازد و آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد. رابطه‌ی اجتماعی تام رابطه‌ای است که در آن افراد در همه یا اکثر جوانب زندگی به شراکت می‌پردازند؛ از بعد اقتصادی گرفته تا بعد عاطفی، جنسی، اجتماعی، و غیره. معمولاً، در این گونه روابط افراد بیش‌ترین تعامل را با یکدیگر دارند. به همین دلیل، آنان زمان قابل‌توجهی را در ارتباط با یکدیگر سپری می‌کنند. رابطه‌ی تام معمولاً حول مهم‌ترین و حیاتی‌ترین نیازهای انسانی شکل می‌گیرد؛ نیاز به امنیت و برخورداری از حمایت، نیاز عاطفی، نیاز جنسی، نیاز به تأیید و به رسمیت شناخته شدن، نیاز اقتصادی، و غیره. در نتیجه، انتظارات افرادی که واجد رابطه‌ای تام با یکدیگر هستند، به‌مراتب بیش‌تر از انتظارات آنان از دیگران است. به همین دلیل، امکان این که آنان به‌آسانی و هر چه بیش‌تر از رفتار و عملکرد یکدیگر ناخشنود شوند، بسیار زیاد است. هم‌چنین، در روابط تام افراد بیش‌ترین آگاهی را از امور خصوصی و شخصی یکدیگر دارند، و به‌طور بالقوه، بیش‌ترین نظارت را بر کار و رفتار و احوال یکدیگر می‌توانند داشته باشند. معمولاً در عمل نیز بسیاری از افرادی که رابطه‌ای تام با یکدیگر دارند، خواسته یا ناخواسته بیش‌ترین نظارت و کنترل را نیز بر یکدیگر اعمال می‌کنند. به همین دلیل، در روابط تام، طرفین -گاه بی آن که متوجه باشند- فشار زیادی بر یکدیگر وارد می‌کنند و حجم زیادی از وظایف را برای هم تکلیف می‌کنند. گاهی افراد نسبت به دیگری رابطه‌ی تام، احساس تملک می‌کنند و هیچ قلمرو خصوصی برای وی قابل نیستند. در نتیجه، به تاخت‌وتاز در همه‌ی قلمروهای زندگی‌شان می‌پردازند و خود را برای تصرف تمامی قلمروهای خصوصی

آنان مجاز و محق می‌دانند. این البته وجه آسیب‌شناختی رابطه‌ی اجتماعی تام است. افراد درگیر در رابطه‌ی اجتماعی تام هم‌چنین نیازمند زمان زیادی برای مذاکره با یکدیگر برای تنظیم امور مشترک و موردعلاقه‌ی طرفین هستند. هم‌چنین افرادی که درگیر رابطه‌ی تام با یکدیگر می‌شوند، ناچار هستند سرمایه‌ی قابل‌توجهی را در این رابطه هزینه کنند. این سرمایه‌گذاری عمدتاً در دوره‌ای انجام می‌شود که افراد در اوج خشنودی از برقراری رابطه با یکدیگر قرار دارند. هم‌چنین، افراد درگیر در رابطه‌ی تام در ایجاد رابطه‌ای جایگزین در تنگنا قرار دارند و ایجاد رابطه‌ی تام جایگزین هزینه‌ی هنگفتی برای طرفین خواهد داشت. بر این اساس، می‌توان گفت که روابط اجتماعی تام از نظر موارد زیر منحصر به فرد هستند و قابل‌مقایسه با انواع دیگر روابط اجتماعی نیستند:

- ۱- نیازمندی کم‌وبیش متقابل در برخی امور حیاتی و مهم؛
- ۲- مدت زمان طولانی تعامل و ارتباط با یکدیگر؛
- ۳- آگاهی متقابل قابل‌توجه از وضع و حال یکدیگر؛
- ۴- لزوم صرف زمان و انرژی قابل‌توجه برای هم‌آهنگی و تنظیم متقابل؛
- ۵- سرمایه‌گذاری بالا در رابطه؛
- ۶- میزان نظارت و کنترل قابل‌توجه بر یکدیگر (که ممکن است آشکار یا تلویحی و پنهان باشد) و در نتیجه، احتمال میزان بالای اعمال قدرت و مداخله؛
- ۷- انتظارات بالا از یکدیگر و حجم بالای وظایف؛
- ۸- احتمال بالای اعمال فشار زیاد بر یکدیگر؛
- ۹- بالا بودن هزینه‌ی برقراری رابطه‌ی تام جایگزین.

اما نکته‌ی مهم این است که در جهان اجتماعی رابطه ایجاد می‌شود تا روزی گسسته شود. رابطه‌ی اجتماعی تاریخ دارد و متحول است. هیچ تضمینی نیست که رابطه‌ای آغاز شود و تا پایان حیات افراد تداوم داشته باشد. بسیاری از روابط اجتماعی در کوتاه مدت قطع می‌شوند. برخی از روابط تا مدتی نسبتاً طولانی تداوم می‌یابند. اما تنها معدودی از روابط اجتماعی هستند که تا سال‌ها برقرار می‌مانند و تداوم می‌یابند. بنابراین، تضمینی وجود ندارد که روابط اجتماعی تام تا مدت‌ها باقی بمانند و برقرار باشند. هر رابطه‌ای برای تداومش نیازمند حفاظت و پاسداری است. حتی رابطه‌ی اجتماعی با روزنامه‌فروش و فروشنده‌ی دوره‌گرد نیز نمی‌تواند تداوم داشته باشد اگر که افراد به نحوی تعارض آمیز و تضاد آمیز وارد ارتباط شوند و انتظارات موردقبول طرف مقابل را به‌طور نسبی برآورده نکنند. ممکن است افراد به خاطر برخی ملاحظات تا مدتی از رابطه‌ای ناخشنودکننده منفصل نشوند اما به محض این‌که جایگزین بیابند و محدودیت‌ها و جبرها از میان برداشته شوند، به رابطه‌ی ناخشنودکننده پایان خواهند داد. به میزانی که الزامات بیرونی تداوم رابطه نظیر نظارت اجتماعی بیرونی، هزینه‌های انفصال، و غیره پایین بیاید و کم‌تر شود، میزان تهدیدکنندگی گزینه‌های بدیل بیش‌تر می‌شود. بنابراین، چنانچه موارد ۱، ۵، ۷، و ۹ را در

پیوند با یکدیگر لحاظ کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که تضمین تداوم رابطه‌ی تام نیازمند صرف انرژی نسبتاً قابل توجه برای حفاظت از رابطه است. پس می‌توانیم مورد دهم را به موارد قبلی بیفزاییم:

۱۰- لزوم حفاظت از رابطه به منظور تأمین هر چه بیش‌تر خشنودی طرف مقابل.

به عبارت دیگر، در مقام مقایسه با دیگر انواع روابط اجتماعی، رابطه‌ی تام برای بقا و تداومش، نیازمند حفاظت بسیار بیش‌تری است. در غیر این صورت، با حذف جبرها و موانع، رابطه‌ی تام به سرعت از هم خواهد گسیخت و چنانچه بدیلی برای برقراری رابطه‌ی تام جدیدی پیدا شود، سرعت فروپاشی رابطه‌ی تام بسی بیش‌تر خواهد بود. در اینجا باید توجه داشته باشیم که مسئله‌ی اصلی در تأمین خشنودی طرف مقابل رابطه، همیشه الزاماً تحقق واقعی خشنودی نیست بلکه درک طرف مقابل از این که دیگری به قدر قابل توجهی برای تأمین خشنودی من تلاش کرده است نیز بسیار مهم و تأثیرگذار است. گاه حتی این حالت دوم اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند. رابطه‌ی تام وقتی دچار بحران می‌شود که یکی از طرفین (یا هر دو طرف) به این نتیجه برسد که طرف مقابل به قدر توانش برای خشنودی من تلاش نمی‌کند و نسبت به آن بی توجه است؛ چیزی که می‌تواند به منزله‌ی «خودخواهی^۱»، «بی‌اعتنایی^۲»، «بی‌کفایتی^۳»، و از این قبیل تعبیر شود. اما حفاظت از رابطه نیازمند درک حضور دیگری و درک نیازهای اصلی و فرعی او است. در این مورد، افراد باید بتوانند از وضع و احوال طرف مقابل در لحظات مختلف زندگی کم‌وبیش مطلع گردند و عکس‌العمل مناسب را انجام دهند. گفت‌وگوی صمیمانه با طرف مقابل و فراهم کردن فضای مناسب برای شنیدن از احوال و نیازهای طرف مقابل اهمیت زیادی دارد. بسیاری اوقات افراد می‌توانند به خاطر علاقه‌ای که به طرف مقابل و رابطه‌ی با او دارند، به‌طور خودجوش این کار را انجام دهند. اما وضع و حال افراد در یک رابطه‌ی اجتماعی همیشه یکسان نیست. با کاهش میزان شورمندی و شورآفرینی رابطه برای افراد، امکان بی‌توجهی و غفلت از دیگری بیش‌تر و بیش‌تر می‌شود. در چنین مواقعی است که آموزش‌های اجتماعی و ذخیره‌ی آموخته‌های فرد است که می‌تواند به کمک او بیاید. لذا آموزش افراد به منظور یادگیری شیوه‌های حفاظت از رابطه بسیار اهمیت دارد. در اجتماعات سنتی، بزرگ‌ترهای فامیل و والدین معمولاً فنون و شیوه‌های حفاظت از رابطه را به فرزندان و کوچک‌ترها می‌آموختند و دست‌آورد و تجربه‌های خود را - به‌ویژه در مورد روابط درون‌خانواده‌گی؛ رابطه با همسر و فرزندان - به نسل بعدی منتقل می‌کردند. امروزه اما این نوع آموزش‌های سنتی بسیار کم‌رنگ شده است و افراد در روند تجربه‌ی روابط، این امکان را می‌یابند که یادگیری حین تجربه داشته باشند؛ یادگیری‌هایی که گاه با هزینه‌های هنگفتی همراه است (محدثی، منتشر نشده).

-
- 1- Selfishness
 - 2- Ignorance
 - 3- Self-sufficiency

روش

در تحقیق حاضر از روش کیفی با استفاده از ابزار مصاحبه عمیق و نیمه ساخت یافته جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. شیوه‌های پژوهش کیفی برای کمک به پژوهشگر برای درک افراد انسانی و بسترهای اجتماعی و فرهنگی‌ای که انسان‌ها در آن زندگی می‌کنند شکل گرفتند. در پژوهش کیفی هدف، درک پدیده‌ها از نقطه نظر مشارکت‌کنندگان و در بستر نهادی و اجتماعی خاص آن‌ها است که این هدف هنگام کمی سازی یافته‌ها نادیده گرفته می‌شود (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۴). برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام گرفته از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. تحلیل مضمون روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای (مضمون‌ها) موجود درون داده‌ها است. این روش خود داده‌ها را سازماندهی و در قالب جزئیات توصیف می‌کند. اما می‌تواند از این فراتر رفته و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر کند. (براون و کلارک ۱، ۲۰۰۶: ۷۸). تحلیل مضمون عبارت است از عملیاتی که طی آن داده‌ها تجزیه، مفهوم‌سازی، و به شکل تازه‌ای در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند. این همان فرآیند اصلی است که طی آن نظریه بر اساس داده‌ها تدوین می‌شود. مراحل کدگذاری مورد استفاده در این تحقیق عبارت‌اند از:

۱- آشنا شدن با متن

۲- کدگذاری اولیه

۳- جست‌وجوی مضامین

۴- ترسیم شبکه مضامین

۵- تحلیل شبکه مضامین

۶- تدوین گزارش

جامعه‌ی آماری تحقیق شامل زوج‌های دارای ازدواج قانونی و دائمی شهر تهران می‌شود. برای گردآوری اطلاعات مرتبط با دروغ‌گویی ابتدا با زوج‌هایی که ازدواج دائم و قانونی انجام دادند، تماس برقرار کردیم و نمونه‌های متفاوت از نظر پایگاه اجتماعی و اقتصادی (تحصیلات، درآمد، طول مدت ازدواج، فرزند داشتن، شاغل بودن زنان مورد مطالعه) را برای مصاحبه انتخاب کردیم. بنابراین با ۲۰ زوج (۱۰ مرد و ۱۰ زن) که ازدواج قانونی و دائم کردند مصاحبه صورت گرفت. بعد از ۱۷ مصاحبه‌ی عمیق و نیمه ساخت یافته اشباع نظری حاصل آمد. اما برای اطمینان بیشتر، مصاحبه‌ها را تا نفر بیستم ادامه دادیم. بازه‌ی سنی افراد مصاحبه‌شونده بین ۲۷ تا ۵۵ سال بود. از نظر تحصیلات مصاحبه‌شوندگان در مراتب از سیکل تا دکترا قرار داشتند و طول مدت ازدواج نیز از ۵ سال تا ۲۰ سال بود. در مصاحبه‌ها به دنبال افرادی بودیم که مدتی از ازدواجشان گذشته باشد. در کدگذاری اولیه، مصاحبه‌های پیاده‌سازی شده و کدهای معنی‌دار آن استخراج شدند. کدگذاری اولیه در طی مرور داده‌های جمع‌آوری شده انجام می‌شود.

مطالعه‌ی جامعه‌شناختی دروغ‌گویی در بین زوجین شهر تهران

استراوس و کوربین کدگذاری اولیه را این‌گونه توصیف می‌کنند: بخشی از تحلیل که مشخصاً به نام‌گذاری و دسته‌بندی پدیده از طریق بررسی دقیق داده‌ها مربوط می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۳۸۷: ۶۲). به عبارت بهتر در این نوع کدگذاری مفاهیم درون مصاحبه‌ها و اسناد و مدارک بر اساس ارتباط با موضوعات مشابه طبقه‌بندی می‌شوند که به این کار مقوله‌پردازی گفته می‌شود. مقولات دارای قدرت مفهومی بالایی هستند زیرا می‌توانند مفاهیم را به دور محور خود جمع کنند. در مرحله‌ی کدگذاری اولیه‌ی تحقیق حاضر، مصاحبه‌های صورت گرفته مورد بررسی دقیق و هنگام مطالعه‌ی آن‌ها، هدف اصلی که در حقیقت تلاش دارد مؤلفه‌های الگوهای دروغ‌گویی در روابط بین همسرانی که ازدواج قانونی و رسمی انجام دادند را شناسایی کنند، مطرح می‌شود.

یافته‌ها

در زیر به تمامی اظهارات و کدهایی که از مصاحبه‌های انجام‌شده با زنان و مردان متأهل دارای ازدواج رسمی و قانونی در مرحله کدگذاری اولیه به‌دست‌آمده اشاره می‌شود.

جدول (۱): اظهارات معنی‌دار استخراج‌شده از افراد ازدواج دائمی و قانونی

کد	اظهارات معنی‌دار استخراج‌شده	کد	اظهارات معنی‌دار استخراج‌شده
۱	ارزش‌های مردسالارانه	۱۷	نیاز به تنهایی
۲	مشارکت اقتصادی محدود زنان در هزینه‌های زندگی	۱۸	حساسیت به شبکه‌های اجتماعی
۳	دروغ‌گویی درباره درآمد و پس‌انداز به خاطر عدم مسئولیت‌پذیری شوهر	۱۹	کنترل وسایل شخصی
۴	اشتباهات اقتصادی و ورشکستگی همسر و نداشتن کفایت و مدیریت لازم در امور اقتصادی	۲۰	حسادت
۵	متکی بودن این نظر اقتصادی به همسر	۲۱	دروغ مصلحتی
۶	عدم قبول این ارزش‌ها توسط زنان و تفریق اجازه برای فعالیت‌های اقتصادی	۲۲	مطرح نکردن مسائل به دلیل جزئی‌انگاری زنانه
۷	ترس و نداشتن احساس امنیت به خاطر تأمین نشدن نیازها توسط همسر	۲۳	ترجیح دادن نظر خانواده پدری
۸	دروغ‌گویی در مورد درآمد و پس‌انداز به همسر	۲۴	سیاست در زندگی زناشویی
۹	حسابگری در رابطه‌ی اقتصادی	۲۵	بر آوردن نیازهای فرزندان و حمایت از آن‌ها
۱۰	نداشتن توافق و صحبت در رابطه زناشویی	۲۶	عدم حفظ احترام
۱۱	تلاش برای رضایت همسر	۲۷	تلاش برای تغییر همسر
۱۲	دروغ‌گویی به همسر برای به دست آوردن زن و ایجاد رابطه بهتر (در مرحله‌ی قبل از ازدواج)	۲۸	اغراق در خواستکاری
۱۳	دروغ‌گویی مردان در محیط‌های کاری و همکاران	۲۹	شکاکیت
۱۴	کتمان مسائل خانواده پدری	۳۰	رفیق‌بازی
۱۵	معمول جلوه داده رفتارها	۳۱	حفظ بیان خانواده
۱۶	پنهان کردن حقیقت به دلیل سرزنش احتمالی	۳۲	عدم اعتماد

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، کلیه‌ی اظهارات معنی‌دار مصاحبه‌شوندگان آورده شده است. بر اساس کدها و اظهاراتی که در این گام حاصل گردید، مفاهیم اولیه شکل گرفتند. در مرحله‌ی اول کوشش ما این بود که کلیه‌ی مقولات مستخرج از مصاحبه با زنان و مردان دارای ازدواج دائمی و قانونی به تفصیل ارائه گردد. در مرحله‌ی بعدی با شرح و بسط مفاهیم حاصل از گام نخست و ترکیب آن‌ها، مفاهیم انتزاعی‌تر حاصل شدند. آنگاه بر اساس مفاهیمی که در این گام حاصل گردید مقوله‌های

اولیه شکل گرفتند. در این بخش اطلاعات حاصل از مصاحبه با زوج‌های ازدواج دائمی و قانونی در زیر به تفکیک ارائه می‌شوند.

مضمون اول؛ احساس ناامنی: از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان یکی از مؤلفه‌های دروغ‌گویی در روابط بین همسران، احساس ناامنی است. از دیدگاه مصاحبه‌شونده‌ها احساس ناامنی می‌تواند به دروغ‌گویی در روابط بین همسران بینجامد. دسته‌های مفهومی ترس و نداشتن احساس امنیت به خاطر تأمین نشدن نیازها توسط همسر، حساسیت به شبکه‌های اجتماعی، سیاست در زندگی زناشویی، عدم اعتماد و کنترل وسایل شخصی ذیل مقوله احساس ناامنی قرار گرفتند. برای مثال، یکی از مصاحبه‌شوندگان در این مورد این‌گونه اظهارنظر می‌کند: «من نمی‌توانم تو مسائل مالی به او اعتماد کنم، چون زیاد اشتباه می‌کنه؛ وقتی آن قدر ولخرجی می‌کنه که نگو اصلاً به فکر آینده نیست. من باید محدودش کنم و برنامه‌ریزی کنم» (مصاحبه‌ی شماره‌ی ۱۴، زن، ۳۴ ساله دارای مدرک کارشناسی ارشد، مدرس دانشگاه، ۸ سال است که ازدواج کرده و صاحب دو فرزند است).

و یا:

«بزرگ‌ترین دروغ رو همسر من گفت وقتی که ازش پرسیدم که باکسی ارتباط داری یا نه، دروغ گفت که نه، ولی من خودم فهمیدم که دروغ گفته. الان فکر می‌کنم آن روزهایی که می‌گفته کاردارم یا دیر میامده پیش اون بوده. الان نمی‌دانم که راست میگه یا دروغ، چون اعتماد بهش ندارم. من نمی‌خوام سریع جا رو خالی کنم و به خاطر بچه‌ام موندم» (مصاحبه‌ی شماره‌ی ۱۹، زن، ۴۰ ساله، دارای مدرک کارشناسی، ۷ سال است که ازدواج کرده صاحب یک فرزند و خانه‌دار).

مضمون دوم؛ وابستگی اقتصادی به همسر: از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان یکی دیگر از مؤلفه‌های دروغ‌گویی در روابط بین جنسی، وابستگی اقتصادی به همسر است. از دیدگاه مصاحبه‌شونده‌ها اتکالی اقتصادی به همسر یکی از مؤلفه‌های دروغ‌گویی در روابط زوجین است که اکثر آن‌ها در خلال سخنان خود بدان اشاره کرده‌اند. دسته‌های مفهومی مشارکت اقتصادی محدود زنان در هزینه‌های زندگی، اشتباهات اقتصادی و ورشکستگی همسر و نداشتن کفایت و مدیریت لازم در امور اقتصادی، متکی بودن از نظر اقتصادی به همسر و حسابگری در رابطه اقتصادی ذیل مضمون وابستگی اقتصادی به همسر دسته‌بندی شدند. یکی از مصاحبه‌شوندگان درباره مشارکت اقتصادی محدود زنان چنین اظهارنظر کرده است:

«من بیشتر درآمد رو پس‌انداز می‌کنم. شاغل هستم. ماهی ۲ میلیون ۴۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرم البته خرج‌های کوچکی رو می‌کنم، ولی بیشتر همسر هزینه‌های زندگی و بچه‌ها رو میده. من هم بعضی موقع‌ها برای خانه خرید می‌کنم یا برای خودم یا بچه‌ها لباسی یا لوازم‌آرایشی... می‌خرم» (مصاحبه‌ی شماره‌ی ۱۱، زن ۴۴ ساله، دارای مدرک کارشناسی ارشد، شاغل فرهنگی، ۱۳ سال است که ازدواج کرده است و صاحب دو فرزند است).

و یا:

«همه خریدهای زندگی رو شوهرم انجام میده، به‌غیراز لباس یا وسایل منزل که اگر احتیاج داشته باشیم باهم خرید میریم. کل هزینه‌های زندگی رو خودش میده، چون همه‌ی خریدها رو خودش انجام میده. فقط برای خرید لباس یا کادو یا برای بچه‌ها به من پول میده که خرید کنم چیزی به‌عنوان خرجی نمی‌ده. مگر ازش بخوای که پول بده» (مصاحبه‌ی شماره‌ی ۲۰، زن ۴۲ ساله، دارای مدرک کارشناسی، ۹ سال است که ازدواج کرده، صاحب دو فرزند).

مضمون سوم؛ روابط مردسالارانه: از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان یکی دیگر از مؤلفه‌های دروغ‌گویی در روابط بین همسران، روابط مردسالارانه است. دسته‌های مفهومی ارزش‌های مردسالارانه، عدم قبول این ارزش‌ها توسط زنان، نگرفتن اجازه برای فعالیت‌های اقتصادی، رفیق‌بازی ذیل مضمون روابط مردسالارانه قرار گرفتند. یکی از مصاحبه‌شوندگان درباره ارزش‌های مردسالارانه چنین اظهارنظر کرده است:

«همسرم حقوقش رو هم مخفی می‌کند و نمی‌گه چه قدر درآمد دارم. بیشتر کارهایی که می‌خواد بکنه خودش تصمیم می‌گیرد و خیلی مشورت نمی‌کند. این‌طوری بزرگ‌شده و اخلاقش اینطوریه» (مصاحبه‌ی ۱۳، زن ۳۱ ساله، تحصیلات دانشجویی دکترای روانشناسی، ۱۰ سال است که ازدواج کرده، کار مشاوره انجام می‌دهد و در دانشگاه تدریس می‌کند و صاحب دو فرزند است).

و یا:

«خانه و ماشین به نام خودش هست اعتقاد نداره که باید به نام زن چیزی بکنه. برای همین من خیلی باهاش حرف زدم تا این که راضی شد به زمینی رو به نام من بزنه» (مصاحبه‌ی شماره‌ی ۲۰، سن ۴۲ ساله، تحصیلات کارشناسی ۹ سال است که ازدواج کرده و صاحب دو فرزند است).

مضمون چهارم؛ کسب رضایت و به دست آوردن دل همسر: از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان یکی دیگر از مؤلفه‌های دروغ‌گویی در روابط زوجین، کسب رضایت و به دست آوردن دل همسر است.

مفاهیم استخراج‌شده از مصاحبه در دسته‌های مفهومی تلاش برای رضایت همسر، دروغ‌گویی به همسر برای به دست آوردن زن و ایجاد رابطه‌ی بهتر، معقول جلوه داده رفتارها، دروغ مصلحتی، اغراق در خواستگاری، حفظ بنیان خانواده و برآوردن نیازهای فرزندان و حمایت از آنها ذیل مقوله کسب رضایت و به دست آوردن دل همسر قرار گرفتند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این مورد این‌گونه اظهار نظر کرده است:

«من فکر می‌کنم که شوهرم می‌تونه به کارهایی بکنه که من رو خوش حال کنه و می‌دونه که من از سورپرایز کردن خوش حال میشم، اما خیلی این کار رو نمی‌کند اهل سورپرایز کردن و... این برنامه‌ها نیست. اوایل من خیلی این کارها رو می‌کردم، اما کم‌کم من هم انجام نمی‌دم» (مصاحبه‌ی شماره‌ی ۱۵)

۱۱، زن ۴۱ ساله، دارای مدرک کارشناسی، شاغل ۱۳ سال است که ازدواج کرده و صاحب دو فرزند است).

و یا:

«زن‌ها دوست ندارند که همیشه حرف حقیقت رو بشنوند و براشون ناراحت کننده است. اگه یه لباسی بپوشه یه دفعه ازش تعریف نکنی خوشش نمیاد و میگه که تو دیگه به من توجه نداری. باید هر چیزی پوشیدی یا هر آرایشی کرد برای اینکه دعوا نشه و ناراحت نشه بگی خیلی خوب شدی اگر بخوای حقیقت رو بگی ناراحت میشن» (مصاحبه‌ی شماره‌ی ۵، مرد ۴۱ ساله دارای مدرک کارشناسی، ۱۴ سال زندگی مشترک، یک فرزند دختر دارد و حسابرس شرکت است).

مضمون پنجم؛ کتمان در زندگی زناشویی: از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان یکی دیگر از مؤلفه‌های دروغ‌گویی در روابط زوجین، کتمان در زندگی زناشویی است. از دیدگاه مصاحبه‌شونده‌ها مخفی‌کاری در زندگی زناشویی و پنهان کردن مسائل یکی از مؤلفه‌های دروغ‌گویی در روابط بین همسران است، اکثر آن‌ها در خلال سخنان خود بدان اشاره کرده‌اند. دسته‌های مفهومی دروغ‌گویی در درآمد و پس‌انداز به همسر، دروغ‌گویی مردان در محیط‌های کاری و همکاران، کتمان مسائل خانوادگی پدری، مطرح نکردن مسائل به دلیل جزئی‌نگری و پنهان کردن حقیقت به دلیل سرزنش احتمالی ذیل مضمون کتمان در زندگی زناشویی دسته‌بندی شدند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این مورد این‌گونه اظهار نظر کرده است:

«خانم‌ها چون این اخلاق رو دارن که اگر چیزی بگن باید بشه. در این موردها من به زخم دروغ گفتم. مثلاً می‌خواستیم مهمانی بریم من یادم نبوده یا دیر شده به دروغ بهش میگم لوله آب شکست یا الکی میگم اگه من نبودم ۵ میلیون ضرر می‌کردیم و ... خلاصه باید یه جور دروغ بگی که راضی بشه چون خانم‌ها معمولاً قبول نمی‌کنند، اگه بخوای راستش رو بگی باید درگیری و بحث و ... داشته باشی» (مصاحبه‌ی شماره‌ی ۱، مرد ۳۵ ساله، دارای مدرک کارشناسی، ۷ سال است که ازدواج کرده و صاحب یک فرزند است).

مضمون ششم؛ عدم تفاهم و عدم اطمینان به رابطه‌ی زناشویی: از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان یکی دیگر از مؤلفه‌های دروغ‌گویی در روابط بین همسران، عدم تفاهم و عدم اطمینان به رابطه‌ی زناشویی است. از دیدگاه مصاحبه‌شونده‌ها عدم اطمینان به همسر یکی از مؤلفه‌های دروغ‌گویی در روابط بین همسران است که اکثر آن‌ها در خلال سخنان خود بدان اشاره کرده‌اند. مفاهیم نداشتن توافق و صحبت در رابطه‌ی زناشویی، ترجیح دادن نظر خانواده خاستگاهی یا اولیه، عدم حفظ احترام، شکاکیت و تلاش برای تغییر همسر در دسته‌های مفهومی ذیل مقوله عدم تفاهم و عدم اطمینان به رابطه‌ی زناشویی دسته‌بندی شدند. یکی از مصاحبه‌شوندگان درباره‌ی نداشتن توافق و صحبت در رابطه‌ی زناشویی چنین اظهار نظر کرده است:

مطالعه‌ی جامعه‌شناختی دروغ‌گویی در بین زوجین شهر تهران

«بعضی وقت‌ها که مریض یا خسته است اصلاً پیشنهاد هم نمیدم. دوست دارم که رضایت داشته باشه. تو مردا این نیاز خیلی مهمیه، مرد احتیاج داره که این نیازش رو برآورده کنه. اگه زن همکاری نکنه و درک نکنه مرد مجبور میشه برای رفع این نیازش به دیگه‌ای پناه بیره. نمونه‌اش رو هم زیاد تو جامعه می‌بینیم که خیلی راحت این کار رو می‌کنند. ما در مورد این نیازمان و وقتی ناراحت هستیم در این رابطه صحبت نمی‌کنیم» (مصاحبه‌ی شماره‌ی ۹، مرد ۳۹ ساله دارای مدرک دیپلم ۱۵ سال است که ازدواج کرده و ۲ فرزند دارد، شغل اشتغال در گمرک و ترخیص کالا).

و یا:

«زن باید به مرد احترام بزاره. اگه عصبانی میشه یا ناراحت هرچه دلش می‌خواهد نگه. این غرور مرد رو می‌شکند. یه اشکال زن من، وقتی عصبانی میشه نمی‌تونه خودش رو کنترل کنه. من از این موضوع ناراحت میشم و چند بار هم بهش گفتم دیگه بچه‌ها بزرگ شدن، باید احترام من رو حفظ کنی، اما نمی‌تونه این ایرادش رو برطرف کنه» (مصاحبه‌ی شماره‌ی ۹).

الگوی عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی در روابط بین همسران در زوج‌های واجد ازدواج قانونی دارای ۶ مقوله اصلی و شامل ۳۱ مقوله فرعی است. برای بسط و توسعه هر یک از مؤلفه‌ها تعدادی از مفاهیم شامل ۷۱ مفاهیم، آن‌ها را پشتیبانی می‌کنند. مفاهیم در واقع تبیین‌کننده‌ی معنا و مفهوم هر مؤلفه بوده که می‌بایست در طول ارزیابی الگوی دروغ‌گویی زوج‌های واجد ازدواج قانونی و دائمی مورد توجه قرار گیرند. جدول زیر مقوله‌های اصلی و تعداد مقوله‌های فرعی الگوی عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی در روابط بین همسران در زوج‌های واجد ازدواج قانونی و دائمی در مدل نهایی را نمایش می‌دهد.

جدول (۲): عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی در روابط بین همسران در زوج‌های ازدواج قانونی و دائمی

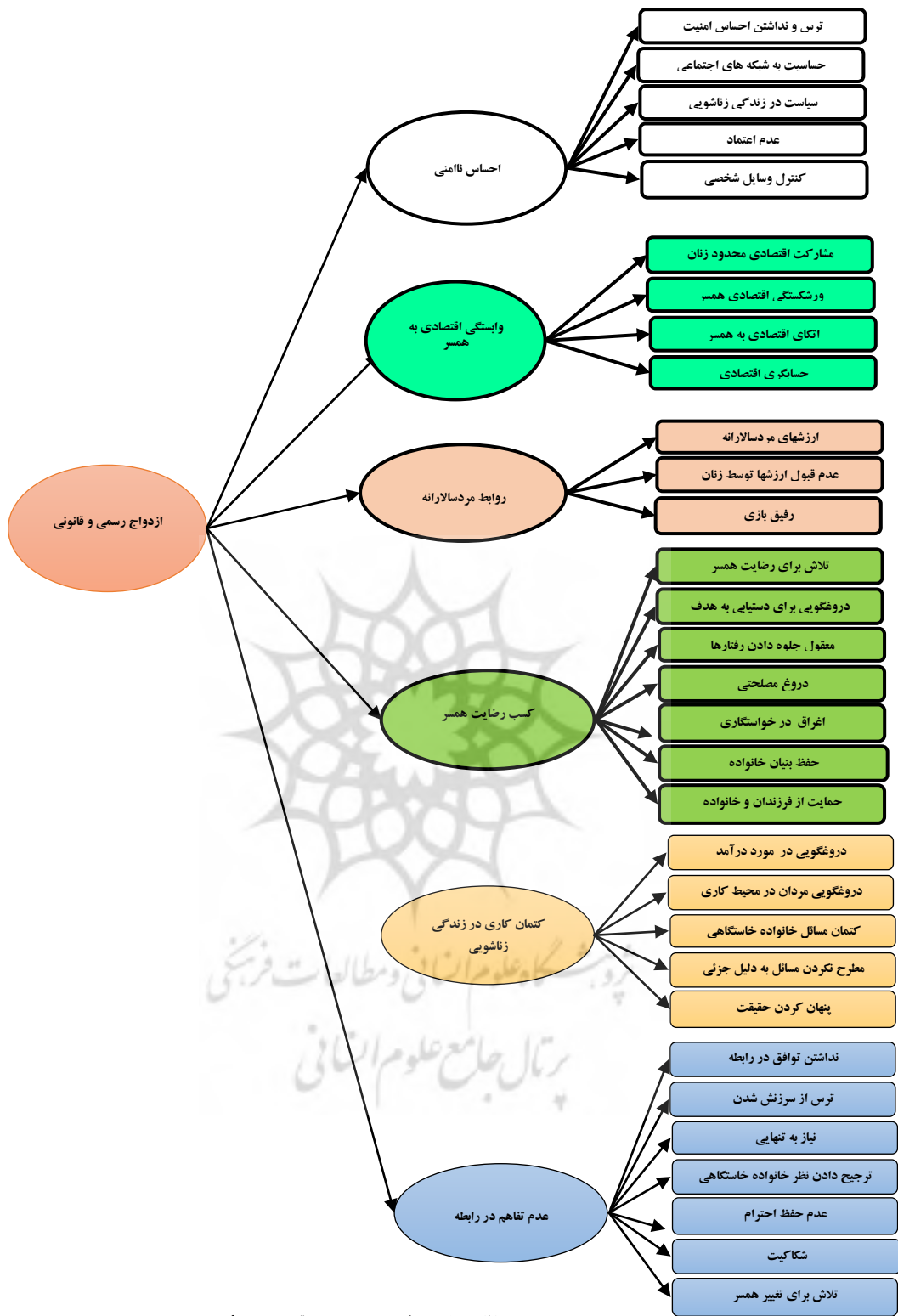
تعداد مفاهیم	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
۲۱ مفهوم	احساس ناامنی	۱- ترس و نداشتن احساس امنیت به خاطر تأمین نشدن نیازها توسط همسر
		۲- حساسیت به شبکه‌های اجتماعی
		۳- سیاست در زندگی زناشویی
		۴- عدم اعتماد
		۵- کنترل وسایل شخصی
۵ مفهوم	وابستگی اقتصادی به همسر	۱- مشارکت اقتصادی محدود زنان در هزینه‌های زندگی
		۲- اشتباهات اقتصادی و ورشکستگی همسر و نداشتن کفایت و مدیریت لازم در امور اقتصادی
		۳- متکی بودن از نظر اقتصادی به همسر
		۴- حساسی در رابطه اقتصادی
۴ مفهوم	روابط مردسالارانه	۱- ارزش‌های مردسالارانه
		۲- عدم قبول این ارزش‌ها توسط زنان و تخریف اجازة برای فعالیت‌های اقتصادی
		۳- رفیق‌بازی
۱۶ مفهوم	کسب رضایت و به دست آوردن دل همسر	۱- تلاش برای رضایت همسر
		۲- دروغ‌گویی به همسر برای به دست آوردن دل زن و ایجاد رابطه‌ی بهتر
		۳- مقول جلوه داده رفتارها
		۴- دروغ مصلحتی
		۵- اغراق در خواستگاری
		۶- حفظ بنیان خانواده
		۷- برآوردن نیازهای فرزندان و حمایت از آن‌ها
۱۶ مفهوم	کتمان در زندگی زناشویی	۱- دروغ‌گویی در درآمد و پس‌انداز به همسر
		۲- دروغ‌گویی مردان در محیط‌های کاری و همکاران

۹ مفهوم	۳- کتمان مسائل خانواده خاستگاهی یا اولیه	عدم تفاهم و اطمینان به رابطه زناشویی
	۴- مطرح نکردن مسائل به دلیل جزئی نگری	
	۵- پنهان کردن حقیقت به دلیل سرزنش احتمالی	
	۱- نداشتن توافق و صحبت در رابطه زناشویی	
	۲- ترجیح دادن نظر خانواده پدری	
	۳- عدم حفظ احترام	
	۴- شکایت	
	۵- تلاش برای تغییر همسر	

ارائه‌ی الگوی عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی در روابط بین همسران در زوج‌های واجد ازدواج قانونی و دائمی و تبیین چگونگی ارتباط میان مؤلفه‌های اصلی و مؤلفه‌های فرعی در قالب ارائه‌ی مضمون‌های تحقیق صورت گرفت. نتایج حاصل از بررسی مدل نشان داد که بر این اساس عواملی مانند احساس ناامنی، وابستگی اقتصادی به همسر، روابط مردسالارانه، کسب رضایت و به دست آوردن دل همسر، کتمان در زندگی زناشویی و عدم تفاهم و اطمینان به رابطه‌ی زناشویی منجر به دروغ‌گویی در روابط بین همسران زوج‌های واجد ازدواج قانونی و دائمی می‌شود. در مدل زیر مؤلفه‌های دروغ‌گویی در روابط بین زوج‌های قانونی به صورت دیاگرام نشان داده شده است.



مطالعه‌ی جامعه‌شناختی دروغ‌گویی در بین زوجین شهر تهران



شکل (۱): مدل دروغ‌گویی زوج‌های قانونی و دائمی

بحث و نتیجه‌گیری

عواملی مانند احساس ناامنی، وابستگی اقتصادی به همسر، روابط مردسالارانه، کسب رضایت و به دست آوردن دل همسر، کتمان در زندگی زناشویی و عدم تفاهم و اطمینان به رابطه‌ی زناشویی باعث دروغ‌گویی در بین زوج‌های ازدواج قانونی و دائمی می‌شود. بر اساس اظهارات زوج‌های واجد ازدواج قانونی و دائمی مشخص شد که نوع روابط شکل گرفته در این نوع رابطه با توجه به چند مجرای بودن رابطه و تکیه اقتصادی زن به مرد نوع رابطه از نوع رابطه‌ی تام است. در این نوع رابطه افراد در همه یا اکثر جوانب زندگی به شراکت می‌پردازند: از بعد اقتصادی گرفته تا بعد عاطفی، جنسی، اجتماعی، و غیره. معمولاً، در این گونه روابط افراد بیش‌ترین تعامل را با یکدیگر دارند و حول مهم‌ترین و حیاتی‌ترین نیازهای آن‌ها شکل می‌گیرد نیاز به امنیت و برخورداری از حمایت، نیاز عاطفی، نیاز جنسی، نیاز به تأیید و به رسمیت شناخته شدن، نیاز اقتصادی، و غیره.

وجود رابطه‌ی تام بین زوج‌های واجد ازدواج قانونی انتظارات متعددی را از همدیگر به وجود می‌آورد. به همین دلیل، امکان این‌که آنان به‌آسانی و هر چه بیش‌تر از رفتار و عملکرد یکدیگر ناخشنود شوند، بسیار زیاد است. بر اساس اظهارات زوجین، آنان بیش‌ترین آگاهی را از امور خصوصی و شخصی یکدیگر دارند و بیش‌ترین نظارت و کنترل را بر کار و رفتار و احوال یکدیگر اعمال می‌کنند. به همین دلیل، در روابط تام، طرفین - گاه بی آن‌که متوجه باشند- فشار زیادی بر یکدیگر وارد می‌کنند و حجم زیادی از وظایف را برای هم تکلیف می‌کنند. همچنین تکیه اقتصادی زوجین به هم باعث می‌شود فشار بر آنان چندین برابر شود و در بسیاری از مواقع برای حفظ همدیگر به‌دروغ متوسل شوند. نوع دروغ در این نوع رابطه با توجه به اینکه رابطه‌ای تام است، بیش‌تر از نوع مفر است. این موقعیت حاکی از شرایطی است که کنشگر تحت فشار بیرونی قرار گرفته و برای فرار و خلاصی از این فشار دروغ می‌گوید. فشار به معنی هر عاملی است که آدمی را در نوعی حالت تنش‌زا و یا وضعیت اجتماعی رنج‌آور و آزاردهنده قرار می‌دهد (محدثی و فلسفی، ۱۳۹۴: ۱۴۲).

در میان زوج‌های قانونی و دائم با توجه به تکیه اقتصادی زوجین به هم و تلاش برای کسب رضایت همسر نوع رابطه بر اساس رابطه‌ی تام شکل می‌گیرد و زوج‌های قانونی در اکثر جوانب زندگی به شراکت می‌پردازند: از بعد اقتصادی گرفته تا بعد عاطفی، جنسی، اجتماعی. در این رابطه زوجین بیش‌ترین تعامل را با یکدیگر دارند. به همین دلیل، آنان زمان قابل‌توجهی را در ارتباط با یکدیگر سپری می‌کنند. رابطه‌ی زوج‌های قانونی حول مهم‌ترین و حیاتی‌ترین نیازهای انسانی شکل می‌گیرد: نیاز به امنیت و برخورداری از حمایت، نیاز عاطفی، نیاز جنسی، نیاز به تأیید و به رسمیت شناخته شدن، نیاز اقتصادی، و غیره. در نتیجه، انتظارات زوجین، به‌مراتب بیش‌تر از انتظارات آنان از دیگران است. این امر سبب دروغ‌گویی در زندگی زناشویی می‌گردد زیرا بسیاری اوقات افراد ناتوان از برآورده کردن این انتظارات متعدد هستند. با توجه به اینکه سطح انتظارات در زوج‌های قانونی و دائمی نسبت به دیگر زوج‌ها بالاتر است، میزان

مطالعه‌ی جامعه‌شناختی دروغ‌گویی در بین زوجین شهر تهران

خشنودی آن‌ها از زندگی کاهش پیدا کند و خود را در برابر فشار احساس کنند. همچنین با توجه به نوع ازدواج قانونی و انتظارات نقشی که جامعه به این زوجها تحمیل می‌کند باعث می‌شود زوج‌های واجد ازدواج قانونی و دائمی تحت فشار بیرونی قرار بگیرند و برای فرار و خلاصی از این فشار متوسل به دروغ شوند. همین فشارها زوجین را در نوعی حالت تنش‌زا و یا وضعیت اجتماعی رنج‌آور و آزاردهنده قرار می‌دهد. در این نوع رابطه زوجها از دروغ‌گویی به‌عنوان مفر و گریزگاه جهت خلاص شدن از فشار استفاده می‌کنند.

در مقایسه‌ی الگوی طراحی‌شده با ادبیات و مبانی نظری تحقیق در خصوص الگوی دروغ‌گویی در روابط زوجین، یافته‌های تحقیق حاضر در حوزه‌ی مطالعه‌ی جامعه‌شناختی دروغ‌گویی در روابط زوجین شهر تهران با تحقیق محدثی و فلسفی (۱۳۹۴)، که در آن محدثی دروغ‌گویی را در موقعیت‌های مختلف طراحی و دسته‌بندی کرده است و نیز با مفهوم تبیینی رابطه‌ی اجتماعی تام وی بیش‌ترین مطابقت را دارد. این تحقیق مکمل پژوهش‌های قبلی محدثی درباره‌ی دروغ‌گویی است. محدثی پیش‌ازاین بر این نکته تأکید داشته است که دروغ‌گویی پدیده‌ای زبانی است و زبان امری اجتماعی است و کاربرد زبان نیز متأثر از عدم تقارن‌های اجتماعی است عدم تقارن‌های اجتماعی منتهی به تضاد اجتماعی می‌شود. ریشه‌های تضاد اجتماعی در میل، موضع، منافع و ایدئولوژی کنشگران فردی و جمعی قرار دارد. هماهنگی میان کنشگران (اعم از وفاق و توافق، شکننده و کوتاه‌مدت‌اند). کاربرد زبان بیش از آنکه تابع اصول اخلاقی باشد تابع موقعیت اجتماعی است (محدثی، ۱۳۹۴: ۱۷۱) تحقیق کنونی نیز این دیدگاه را درباره‌ی دروغ‌گویی در قلمرو خانواده و روابط زوجین دنبال کرده است. نتایج این تحقیق با اصول و نتایج تحقیقات قبلی محدثی هماهنگی داشته است. به نظر می‌رسد خانواده‌های تشکیل‌شده از ازدواج قانونی و دائمی از انتظارات فراوان زوجین از یکدیگر و اعمال نظارت و کنترل بالا به هم رنجور است. به‌جای این که افراد بیشتر به خشنودی یکدیگر فکر کنند و در این جهت تلاش کنند، بیش‌تر از طرف مقابل انتظار دارند که خواسته‌هایشان را برآورده کنند. اعمال کنترل بالا به یکدیگر افراد را بارها در موقعیت فشار قرار می‌دهد و فرد برای گریز از این‌گونه فشارها در بسیاری موارد به دروغ متوسل می‌شود.

منابع

- احمدی، عباس؛ علوی لنگرودی، سید کاظم؛ برزگر بفرویی، کاظم. (۱۳۹۶). بررسی مروری دروغ‌گویی در کودکان: ویژگی‌ها، عوامل مرتبط، سبب‌شناسی و درمان‌های احتمالی، مجله علمی و تخصصی علوم انسانی اسلامی (سال دوم) شماره ۲۲، جلد ۱ صص ۱۲۱-۱۳۲
- اسکیدمور، ویلیام. (۱۳۸۵). تفکر نظری در جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی محمد علی حاضری و دیگران، قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- اسلامی، سید حسن. (۱۳۸۷). دروغ مصلحت‌آمیز؛ بحثی در مفهوم و گستره آن. چاپ سوم، قم: بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
- بوک، سیسلا. (۱۹۹۹). انتخاب اخلاقی در زندگی اجتماعی و فردی، ترجمه‌ی احد علیقلیان، تهران: فرهنگ نشر نو ۱۳۹۴.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی. آذر، عادل. (۱۳۸۶). روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات اشراقی.
- رنجبر، هادی؛ حق دوست، علی اکبر؛ صلصالی، مهوش؛ خوشدل، علیرضا؛ سلیمانی، محمدعلی؛ بهرامی، نسیم. (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش کیفی: راهنمایی برای شروع، مجله علمی و پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی سال دهم شماره ۳ صص ۲۵۰-۲۳۸.
- گلدن برگ، ایرند و گلدن برگ، هربرت. (۱۳۸۲). خانواده‌درمانی. ترجمه‌ی حمیدرضا حسین‌شاهی‌براوتی تهران: انتشارات نشر روان.
- محدثی، حسن (۱۳۸۸). بررسی وضعیت صداقت عمومی و راه‌کارهای ارتقای آن، شورای انقلاب فرهنگی.
- محدثی، حسن و فلسفی، دریا. (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی از آمادگی برای دروغ‌گویی، ویژه‌نامه پژوهش‌نامه‌ی زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره‌ی اول، صص ۱۳۳-۱۵۵.
- محمدی، سید بیوک. (۱۳۹۲). بررسی الگوی رابطه‌ی صمیمانه‌ی همسران، پژوهش‌نامه‌ی زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره‌ی اول صص ۱۶۳-۱۸۷.

- Dobrow, J. A. (2016). The Relationship between Psychopathic Personality: Traits and Lying (Doctoral dissertation, University of South Florida).

- Jeong C.H., Parkb, H.S., Yeon, O.J. (2011) Cultural differences in how individuals explain their lying and truth-telling tendencies, International Journal of Intercultural Relations. vol 35 (2011) pp:749- 766.

- Lax, J. R., Phillips, J. H., & Stollwerk, A. F. (2016). Are Survey Respondents Lying about Their Support for Same-Sex Marriage? Lessons from a List Experiment. Public opinion quarterly, vol 80(2), pp:510-533.

- Martin, b. (2004). Telling lies for a better world, Published in Social Anarchism, No. 35, 2003-2004, pp. 27-39

- Talwar, V., & Crossman, A. (2011). From little white lies to filthy liars: The evolution of honesty and deception in young children. In J. Benson (Ed.). Advances in child development and behavior (Vol. 40, pp. 139-179